

متهمی به «خیانت»، به «پدر مافیا» و به «اشباع غریزه قدرت»!

(تبصره و نقد سیاسی)

درین اواخر تقریباً به طور همزمان؛ زلمی خلیلزاد؛ توسط برنامه ساز سیاسی - دینی: شفیع عیار؛ متهم به «خیانت»؛ شده و توسط امین فروتن که از ایشان بیشتر میدیای ایرانی؛ منحیث یکی از "رهبرای جهادی افغانستان" شناخت به دست میدهند؛ متهم به «پدر خوانده مافیا و طراح "اجماع ملی!" یا فورمولی برای اشباع غریزه قدرت...» گردیده است.

اینکه کمینه شخصاً با جناب خلیلزاد حب و بغضی داشته باشم؛ کم از کم درینجا پیشیزی ارزش ندارد؛ و وای اگر در لحظات مشخص و معین زمانی و مکانی کنونی یا به عبارت سیاسی تر: جیوپولتیک و جیواستراتژیک آنی؛ مسایل؛ اینچنین شخصی و یا به انگیزه ها و محرکه های غیر از منافع و مصالح بالفعل و پراگماتیک ملی و میهنی؛ عرضه گردد!

با ناخوشایندی کافی؛ باید به عرض عزیزان برسانم که تا لحظات نگارش این سطور؛ فرمایشات جناب محمد امین فروتن (یکی از رهبران جهادی؛... و به لحاظ قلم و دانش و اطلاعات و قدرت تحلیل؛ برتر از همه آنها) در زمینه؛ روی ویبسایت های آریایی(1)، گفتمان و غیره هنوز ادامه دارد و نمیتوان پیشبینی کرد که بالاخره ایشان؛ قرار است؛ چه نسخه ای برای ما و مردم بدبخت و فلاکت زده افغانستان و منطقه و جهان بپیچند؛ تا بالوسيله؛ اگر خدا خواست؛ به خیر و فلاحی؛ امید و آرمان؛ ببندیم؛ ولی چنانکه درین ویدیو می بینید و می شنوید؛ جناب شفیع عیار؛ حرف و حدیث لازمه را با تمهیدات و پیش زمینه ها و تحلیلات کافی و خیلی ها روشن و صریح؛ تمام و کمال آورده اند:

https://www.youtube.com/watch?v=-n90d90nQP8&feature=player_detailpage

مسئلاً دیدگاه ها و عرصه های بحث جنابان شفیع عیار و امین فروتن؛ عین هم نیستند و شاید هم تضاد هایی با هم دارند ولی از آنجا که هر دو بر محور شخصیت واحد؛ یعنی جناب زلمی خلیلزاد متمرکز میباشند؛ مجوز بحث و نقدی - از نظر من لازم و ضرور- را به دست میدهند.

بنده؛ طی روزانی که این مباحث روی میدیا آمد؛ چه مستقیم و چه بالوسيله عزیزانی؛ تلاش کردم تا در جامعه روشنفکری خاصاً چپ کشور؛ دریابم که چقدر افراد و سازمانها و احزاب؛ به مباحث تماس یافته و از آنها آگهی به هم رسانیده اند و در مورد حساسیتی دارند.

با تأسف مثل گذشته ها؛ نه تنها دریافتم که پاکستان؛ در وجود طالبان و شبکه های سی و پنج هزاره مدارس سلفی - وهابی ی تروریست پرور مستقر در آنکشور، یاجوج و ماجوج طالبان مسلح و سیلی از جواسیس و «ستون های پنجم» در داخل افغانستان؛ «سرمایه ملی» خود را دارد؛ بلکه این «سرمایه»

حتی بیشتر و بهتر در جهل و بی تفاوتی و سرسری نگری و یک خطی و یک دنده گی ی بیشترین عاليجنابان روشنفکران، "انقلابیون" و چپی های مان؛ برایش میسر و متمرکز میباشد.

در همین حال ؛ گفتنی است که من این روزها توانستم به مساعدت پولی یکی دیگر از حامیان پرشور دکترین «گوهر اصیل آدمی»؛ دوست عزیزم جناب محترم محمد یعقوب فیضمند از دنمارک (حدود 400 دالر امریکایی) منجمله توسط ستلایت به کشور وصل کردم و در اولین دقایق؛ شاید اتفاقی عجیب باشد که بیننده یک مصاحبه مفصل جناب دکتر محمد داوود راوش رئیس حزب مردم و " رئیس دوره ای ائتلاف نیروهای دموکرات و ترقیخواه" در تلویزیون "آئینه" بودم.

ایشان منجمله فرمودند: (نقل به معنی) خیر است که مردم و جوانان افغانستان، کتاب نمیخوانند و از رسانه ها و منابع اطلاع رسانی و آگاهی بخشی استفاده نمیکنند؛ مگر بسیار هوشیار و آگاه شده اند و....

شاید هوشیاری و آگاهی ی لازمه انسان، جامعه، کشور، منطقه و جهان بیحد بغرنج و بغرنج شونده کنونی؛ توسط باد و باران و دعا و تعویز و یا هم دوا و غذا... میسر شود که زعیم و رهبری سیاسی ی زمان؛ چنین سخن بر زبان میراند و صریحاً لزوم حیاتی - مماتی ی خواندن کتاب و استفاده پُر وسواس و متداوم و کامیابانه از منابع آگاهی بخشی را اینگونه به هیچ و پوچ میگیرد؟! (2)

به هر حال؛

ابتدا مختصری از موضوع مطروحه در برنامه ویدیویی:

در حوالی دقیقه 40 برنامه؛ محترم شفیع عیار یک سند بزرگ و استراتژیک را به پیش میکشد و آن؛ یک مصاحبه حضرت کولن پاول وزیر دفاع امریکاست که 11 سال قبل از پاکستان با تلویزیون سی ان ان کرده است. درین قسمت مصاحبه؛ پرسش بر سر قوای جبهه متحد ملی وقت است و به نحوی تمامی قوای ضد طالبان و ضد پاکستان در آن زمان را افاده میدارد.

سوال سی ان ان؛ آن است که وضعیت این قوا که در امر شکست دادن طالبان با ارتش ائتلاف بین المللی همکاری نموده و مینمایند؛ چگونه است؟

جناب وزیر دفاع میفرمایند که آنها در سمت شمال استند در مزارشریف؛ ما در مورد آنها فکر خواهیم کرد.

پرسیده میشود که شما چرا به این قوا اجازه نمیدهید که به طرف کابل پیشروی نمایند؛ آیا می ترسید که آی ایس آی خشمگین شود یا پاکستان؟

جناب وزیر میگویند که آنها قوای کوچک 15 فیصدی سمت شمال استند و هرگاه ما این کمیت کوچک را در برابر قوای 85 فیصدی (یعنی طالبان - جنوب) قرار دهیم؛ بغاوت بزرگی علیه ما نضج میگیرد؛ لذا آنها بهتر است که در همان حوالی مزار شریف بمانند...

بدینگونه جناب شفیع عیار نشان میدهند که حتی وزیر دفاع وقت امریکا و بالطبع همه اهل تصمیم و عمل امریکا در آن روزهای حساس و تعیین کننده؛ از جغرافیای افغانستان اطلاع و آگاهی حد اقل ندارند تا جاییکه سمت شمال افغانستان را با مزار شریف یکی میگیرند. اینگونه اطلاعات و باور هایشان از طالبان طوریت که تمامی پشتونها را طالب می‌شمارند و جنوب افغانستان را سراسر پشتونی - طالبانی و شامل 85 فیصد نفوس و نیروی افغانستان محاسبه مینمایند.

این درست همان خط کشی ها و ذهنیت هایی است که آی ایس آی بر آنها باورانیده است. بر بنای چنین محاسبات و باور هایی است که عملکرد نظامی و سیاسی امریکا و متحدانش در افغانستان پی ریزی میگردد.

جناب عیار؛ در همین رابطه است که بر آقای زلمی خلیلزاد انتقاد و پروتست مینمایند؛ چرا که در آن زمان افغانستان جز آقای خلیلزاد؛ کس قابل ملاحظه دیگر دارای نفوذ و رسوخ و شناخت در مقامات حاکمه امریکا ندارد تا بتواند صدا بلند کند و ایشان را به حقایق مبرم جغرافیای سیاسی و نظامی و دموگرافیکی و انتیکی.... افغانستان آشنا ساخته ذهن و فکر شان را از تصرف شیطننت های آی ایس آی و ارتشی های پاکستان بیرون بیاورد.

محترم شفیع عیار در همین رابطه است که تا بدان حد جدی میشوند که میگویند: من؛ نسبت این غفلت آقای خلیلزاد را به «خیانت متهم میکنم»؛ چرا که ایفای نقش روشنگر به موقع در آن زمان توسط وی میتوانست؛ امریکا را قادر سازد که سیاست و روش درست تری در افغانستان اتخاذ و عملی بدارد. حسب توقع جناب عیار؛ بانیستی آقای خلیلزاد صدا بلند میکرد و از جمله طی همان مصاحبه هایی که اینجا و آنجا انجام میداد واضح میساخت که:

- طالب؛ پشتون هست ولی خلق بزرگ پشتون؛ طالب نیست!

- جنگ افغانستان؛ جنگ قومی و زبانی و جنگ فیصدی ها نیست؛ جنگ نیابتی پاکستان است و به شمول همه ملیت های دیگر؛ اکثریت مطلق پشتونها مخالف تحرکات افغانستان برانداز پاکستان اند.

- طالبان ؛ از 85 فیصد نیرو ها یا از 85 فیصد نفوس و خاک کشور افغانستان نه که حتی از 2 فیصد هم نماینده گی کرده نمیتوانند! (اتفاقاً عین موضوع چند روز قبل به نحوی در برنامه "تودی خبری" تلویزیون طلوع به میان آمد که همه شرکت کننده گانش شخصیت های پشتون بودند و آنها بالاتفاق تصریح کردند که طالبان حتی از 1 فیصد پشتون ها نماینده گی نمیکند و بزرگترین ضربات و تلفات و رنج و عذاب را از دست طالبان؛ پشتون هاست که متحمل گردیده اند و متحمل میگردند!)

- پشتون ها ملیت بزرگ افغانستان هستند ولی هیچ ملیتی در افغانستان کمیت 85 فیصدی ندارد و مجموع ملیت های غیر پشتون افغانستان نه 15 فیصد که خیلی ها بیشتر از کافه پشتون ها استند و آنگاه اکثریت مطلق پشتون ها تبعیض و مخاصمتی با سایر ملیت ها و اقوام کشور نداشته و مانند سایرین هم؛ از پاکستان و نیرو های نیابتی اش بیشترین صدمات به آنها رسیده است و میرسد.

به نظر این کمترین؛ یک معنای سخن جناب عیار؛ آنهم میتواند باشد که اگر؛ افغانستان درین موقع در دهلیز های حکومت امریکا؛ بیش از یک خلیل زاد میداشت؛ در صورت غفلت یا ناتوانی و یا ناخواستن این خلیل زاد؛ آن دیگرش ممکن بود پای پیش گذارد و ذهن و ضمیر امریکائیان قدر قدرت را از تصرف جادو گران آی ایس آی؛ بدر آورده؛ دور گردون را حسب المراد ما در گردش آورد؛ و اگر احیاناً چندین خلیل زاد و همپایه گانش را میداشتیم که اصلاً امریکائیان در مورد افغانستان و منطقه جز با آنان رفع و رجوع مسایل نمیکردند!!

هکذا میتواند معنای منطقی دیگر سخن جناب شفیع عیار؛ این گردد که در عین زمان؛ پاکستان؛ خلیل زاد های به مراتب بیشتر و لایق تر و هنرمند تر و ساحر تری در مراکز قدرت سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و غیره امریکا داشت و بالوسیله توانست و میتوانست همه ذهن و ضمیر حاکمان رده اول امریکا منجمله جنرال 4 ستاره کولن پاول را در تصرف داشته آنان را حسب مطامع و منافع خود و کشور خود سمت و سو دهد و در موارد زیادی آی ایس آی و قوت های مسلح نیابتی آن را خرسوار از زیر ریش امریکائیان هم بگذراند!!

بادر نظر داشت اینکه امریکا علی اکثر؛ کشور مهاجران و سرزمین فرصت هاست و بیشترین سیاستمداران و دانشمندان و پیشقدمان اجتماعی و اقتصادی و مالی و صنعتی و تجاری امریکا کم از کم به حساب یکی دو یا چند نسل پیش؛ با کشور و سرزمین و قاره دیگری هم نسبتی دارند؛ شما میتوانید این قیاس منطقی را تا هرکجا که دل تان میخواهد ادامه دهید!

ولی اینک بنده بانیستی؛ پرده دیگری را بدرم.

بلی؛ پاکستان و آی ایس آی که توانست و میتوانست آنهمه در قلب و مغز قوای حاکمه امریکا نفوذ و رسوخ و تصرف کند؛ منجمله به برکت "جهاد مقدس مردم افغانستان علیه کفر و کمونیزم!!" که اکنون عین همان جهاد علیه «خارجی» های دیگر- خارجی هایی که زمانی حامی و مشوق و مسبب همین "جهاد مقدس" بودند - ادامه دارد؛ به مراتب و مراتب و مراتب توانست و توانسته است در قلب و مغز بسیار ضعیف و فاقد انتی بادی قوای حاکمه افغانستان (اعم از دینی و سیاسی و اتنیکی) هم نفوذ و رسوخ و تصرف نماید.

بدبختانه دیر و دیر و دیر نیست که مذهب و سیاست و کلچر و غالب متعلقات ماهوی آنها از اسلام آباد و راولپنڈیست که به افغانستان صادر و اعمال میشود؛ در جمله: "مافیا" و روش ها و منش های مافیایی!

متباقی را شاید جناب محمد امین فروتن در ادامه مباحث خویش وضاحت ببخشند ولی به هر حال اخلاقاً باید تا ختم بحث ایشان؛ صبر کنیم.

+++++

یاد دهانی ها:

(1) مقالات جناب محمد امین فروتن را منجمله درینجا بخوانید:

(2) از شخصیت های رهبری کننده کشور توقع می رود که در ادای جملات و کلمات شان حسب ایجابات مقام و مسئولیت ویژه شان؛ دقت کافی نمایند منجمله مواردی از این دست را با ادات تقبیحی و انزجاری توأم فرمایند. مثلاً:

با اینکه **بدبختانه؛ شوربختانه** یا کم از کم - **متأسفانه** - مردم و جوانان افغانستان، کتاب نمیخوانند و از رسانه ها و منابع اطلاع رسانی و آگاهی بخشی استفاده نمیکنند؛ مگر.... در چنین حالت سخن رهبر؛ شنونده اش را تا اندازه زیادی تحت تأثیر قرار میدهد و متوجه کاستی ی شخصیتش میسازد.

باید همه به یاد داشته باشند که پائین بودن شاخص مطالعه و دانشجویی و خود آموزی و فراتر از آن ضعف تولید علم و بهره برداری از علوم و اطلاعات؛ مستقیماً به معنای بالا بودن سطح عقب مانده گی و جهالت و وامانده گی است. و در هر حال نادانی و کم دانی و بد دانی ما؛ سرمایه بیش بهای دشمن ما هم هست!